

## دیکته‌ی شماره ۱۵:

ر - مادر - ابرو - سرد - زلیبور - ما

مادر با اسب در باران آرام آمد.

من نوت، انار، نان در دست دارم.

ایران آباد، سرسبز است.

بابا - مادر - ایران - سرباز - زبان - تیر انداز

## دیکته‌ی شماره ۱۶:

ه - ه - مداد - ساده - دانه - نرده - مدرسه

قریبا با سارا از مدرسه آرام آمدند.

آزاده در سینی، سیب دارد.

آن شب، امین در آسمان ستاره ندید.

ت - ت - ترش - آش - مداد تراش

## دیکته‌ی شماره ۱۷:

آن روز شتر با بز در باران تند آمدند.

ی - ی - یاس - دریا - ماسه

من بوی یاس را دوست دارم.

مادر سام برای آش، سبزی را می شوید.

## دیکته‌ی شماره ۱۸:

مادر امید با اسب از بُناب آمد.

سارا بوی یاس را دوست دارد.

آن روز آزاده از مدرسه زود آمد.

او با مدیر در باران نند آمد.

سام شتر را به مبین نشان داد.

ت - س - آ - ای - ی ای

## دیکته‌ی شماره ۱۹:

ک ک - کیوتر - اردک - کدو - کودک - یادبادک

کریم در دست یادبادک دارد.

زنبور در کتدو، اردک در آب بود.

آن کودک با کیوتر بازی می کند.

اکبر آتش رشته را دوست دارد.

ت - س - آ - م - ب ب

## دیکته‌ی شماره ۲۰:

گ گ - گرگ - گریه - گریه - سگ - گلایی

کریم گلایی دوست دارد.

علی به سگ ها نگاه می کند.

گرگ دندان دارد.